

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و برزنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۱۴ جولای ۲۰۱۵

## مجلس چهل و دوم (در تقوا)

بامداد روزنوزدهم رجب سال ۵۴۵ هجری قمری، شیخ عبدالقادر (رضی الله تعالی عنه) در مدرسه فرمود: رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَكْرَمَ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ، وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَعْنَى النَّاسِ فَلْيَكُنْ وَاثِقًا بِمَا فِي يَدِ اللَّهِ أَوْ ثِقَ عَلَى مَا فِي يَدِهِ» - (هرکس که دوست دارد گرامی ترین مردم باشد، باید تقوی خدار داشته باشد، و هرکس که می خواهد نیرومندترین مردم باشد، باید بخدا توکل کند، و هرکس که می خواهد توانگر ترین مردم باشد، باید بدانچه که در دست خداست مطمئن تر باشد از آنچه در اختیار خود است). هرکس طالب کرامت و بزرگی دنیا و آخرت است، باید دارای تقوی و پرهیز باشد. خداوند عزوجل فرموده است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» - کرامت در تقوی و خواری در معصیت.

هرکس می خواهد که در دین خدا نیرومند باشد، باید برخدای عزوجل توکل نماید، زیرا توکل قلب را اصلاح می آورد و تقویت می کند، از آلودگیها پاک می نماید، هدایتش می کند، و ناظر شگفتیهایش می گرداند!! بر درهم و دیناری که در اختیار داری متکی مباش، چون این عمل خوار ناتوانت می سازد. برخدای تبارک و تعالی توکل کن، که توانایت ساخته و یاریت می کند و درهائی برویت می گشاید که در انتظار آن نبودی. توکل دلت را چنان قوی میکند، که دیگر به دنیا و اقبال و ادبار آن کمترین اعتنائی نخواهی نمود. اینگاه است که نیرومندترین مردمانی. ولی هرگاه به مال و جاه و وسایل مادی توکل کردی، بدان که خود را در معرض قهر و خشم خداوند قرار داده ای، و بدست خویش نیز وسیله زوال آنها را فراهم نموده ای، چون خداوند غیور است، نمی خواهد جز حجب خود، حجب دیگری را در دلت مشاهده کند.

هرکس توانگری دنیا و آخرت را می طلبد، لازم است که باتقوی باشد و از غیر خداییم و هراس نداشته باشد، مقیم درگاه حق باشد، و از اینکه بدرگاه غیر او روی آورد شرم داشته باشد، و دیده را از نگاه کردن بدست دیگران باز دارد، البته منظور من دیده دل و باطن است، نه دیده ظاهر.

چگونه به آنچه در اختیار داری مطمئنی، با وجود اینکه میدانی که آنها در معرض زوال قرار دارند؟ و چگونه اعتماد به رحمت لایزالی خدار اترک می کنی؟ جهل و نادانی است که ترا بسوی وثوق به غیر می کشاند. در حالیکه وثوق بخدا نهایت توانگری است، و اطمینان بخلق غایت فقر و تنگدستی.

ای تارک تقوی، بدان که کرامت دنیا و آخرت را بر خود حرام کرده ای. ای متوکل به غیر خدا، نیرو و توان و بزرگواری دنیا و عقبی را از کف داده ای. ای متکی بر اموال دنیوی که در دست داری، خود را از توانگری دنیا و آخرت محروم نموده ای.

(یاغلام) اگر می‌خواهی فردی متقی، پرهیزگار، و متوکل بر خدا باشی، لازم است که در مقام صبر در آئی، که صبر اساس و بنیان تمام نیکی‌هاست. اگر دارای نیت صحیح بودی، و بر مقدرات الهی صابر، جزایت نزد خدا محفوظ است، و حب و مهر خویش را در دلت جای خواهی داد، و بمقام قرب دنیا و آخرت میرسانی. بدان که صبر عبارت است از: موافقت و رضایت به قضا و قدر خداوندی که در علم ازلی او موجود بوده است، و کسی را بر تغییر و تبدیل آن قدرتی نیست، و این نیز در نزد عبد مومن موقن ثابت و مسلم است، و همچنین صبر بر مقدرات از روی اختیار مورد نظر است، نه از روی ناچاری و اضطرار زیرا صبرگاهی از روی ناچاری، و گاهی بر اساس برگزیدن و اختیار است. چگونه مدعی ایمانی، ولی صبرنداری؟ چگونه ادعای معرفت می‌کنی، اما از رضابوری؟ اینها چیزهاییست که با ادعای صرف ثابت نمی‌شوند، مگر اینکه به درگاه حق ثابت و به عتبه آن تکیه کرده باشی، و در زیر فشار قدمهای قدر و حوادث، با صبر و شکیبایی پایداری کنی، و فشار حوادث را بکوبی، نه کالبد بدنت را، اما تو ثابت مانند کالبد بدون روح ایستادگی نمایی. بدان این امر نیازمند سکون بدون حرکت، گمنامی بدون شهرت، دوری از خلق با قلب و باطن می‌باشد. اما بیشتر مردم آنچه را که وصف نمودم، بکار نمی‌بندند، و آنچه را که شرح دادم نمی‌فهمند، و بدانچه پند میدهم نمی‌پذیرند. چه سخت است دل‌های آنان! و چسان قلب‌هایشان مملو از جهل است! اگر قدرت تشخیص میداشتند، به خدای عزوجل ایمان داشتند، و بیاد مرگ می‌بودند، و بدینسان نبودند. شما شاهد مرگ پدران و مادران و کسانتان بوده اید شاهد مرگ پادشاهان و فرمانرویان خویش بوده اید، پس چگونه خود را از طلب دنیا و حب بقا در آن باز نداشته اید؟! آیا قصد متحول کردن دل‌های خود را ندارید؟ آیا حب دنیا و خلق آن را از آن بیرون نمی‌کنید؟ خدای عزوجل فرموده است: **«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»**.

شما می‌گوئید و عمل نمی‌کنید، و چه بسیار عمل هم کنید، منتهی اخلاص ندارید. عاقل باشید و در پیشگاه حق از اسانه ادب خودداری نمائید. تفکر کنید و بسوی خدای بازگردید. این وضعیتی که شما در آن قرار دارید، در بردارنده سودا خرت نیست. شما بر خودستم می‌کنید. اگر خود را مکرم بدانید، کرامت آخرت را نیز حاصل خواهید کرد. شما آنچه را که فنا پذیر است گرفته آنچه را که زوال ندارد دست داده اید. جمع مال دنیا و علاقه به زن و فرزند، از یاد خدایتان غافل نگرداند، چون بزودی بین تو و آنها جدائی خواهد افتاد. عنایت بر عزت ظاهری دنیا و خلق ترا از خدا دور نسازد، زیرا آنان نزد خدا، کوچکترین کاری نمی‌توانند برایت انجام دهند. قلبت به شرک آلوده گشته است، اما به درگاه خداوند شکایت می‌کنی و اورا متهم میداری، و در تمام احوال از وی اعراض می‌کنی، بدین سبب خداترا مورد قهر و غضب قرار می‌دهد و بغض ترانیز در دل بندگان صالح قرار خواهد داد.

یکی از بزرگان (رحمت خدا بر او باد) همواره با چشم بسته از خانه خارج می‌شد، و فرزندش دست اورا می‌گرفت. از او علت اینکار پرسیده شد، گفت: تا چشم بر کسی که کافر بخداست نیفتد. روزی با چشم باز بیرون آمد، ولی از شدت خوف خدا بیهوش بر زمین افتاد. پس شمادیکر چگونه بخدا شرک می‌ورزید، و غیر اورا می‌پرستید؟ چگونه از نعم خداوند استفاده می‌کنید و اورا ناسپاسید؟ اما (چه فایده که) شماین رادرك نمی‌کنید. با کفار همنشینی دارید و بدانان توکل می‌کنید، و این بدین علت است که در دلتان ایمان به حق وجود ندارد. بر شما لازم است که هر چه زودتر توبه نمائید، و دست انابه و استغفار بسوی خدا بردارید، لباس وقاحت و بی‌شرمی را از تن بدرارید، از حرام و شبهه پرهیز نمائید، از مباحات نیز با حرص و شهوت استفاده نکنید، چون حرص و شهوات شمارا از خدا دور می‌کند.

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: **«الدنيا سجن المومن»** - (دنیا زندان مومن است). چگونه زندانی در زندان شادمان است؟ شادمان نیست، بلکه خوشحالی او در چهره، و اندوهش در قلب است. بظاهر شادمان است، اما اندرونش را خوف از ارتکاب گناه پاره و مجروح ساخته است، که جراحات درونی را با لبخند های ظاهری می‌پوشاند. به اینگونه بندگان خداوند و فرشتگان مباحات می‌کنند، امروز این دلاوران دین خدا انگشت نمایند، و همواره

بررنجهاصابرند وتلخیهای روزگار رامی نوشند، تابه مقام حب الهی نایل گردند، همانگونه که خدای عزوجل فرموده است: «وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»- (خدای شکیبایان رادوست می دارد).

خداوند عزوجل ترابه محبت خود می آزماید، هرگاه در اجرای اوامر اوکوشا بودی، ودر خودداری از منهیات سعی نمودی حب خدادردلت بیشتر می شود، وهر وقت بررنجه وبلا صبرکردی مقام قربت افزون می گردد. یکی از بزرگان (رحمت خدابراوباد) گفته است: (خدابه عذاب بنده خودراضی نیست ولی اورامی آزماید). رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: «كَأَنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ، وَكَأَنَّ الْآخِرَةَ لَمْ تَزَلْ»- (مثل اینکه دنیا نبوده است، و آخرت جاودانی است).

ای طالبان، ای دوستداران دنیا، نزد من آئید، تاشمارابه عیوب آن آگاه کنم، به راه حق عزوجل راهنمائیتان کنم، وبه کسانی ملحقیتان سازم که خواستار لقاءالله هستند. ولی شما سیر هوای نفسید. بشنوید آنچه رامی گویم، وبالاخلاص بدان عمل کنید. هرگاه از آنچه که به شما میگویم آگاه شدید و آنرا به کار بستید، به مقام علین ارتقاء حاصل خواهید کرد، آنجا اصل گفتار را خواهید شنید و برایتان محقق خواهد شد که آنچه بدان اشاره کردم درست بوده.

(یاقوم) دلہائیتان رازنگ تهمت نسبت بمن پاک کنید. من نه بازیچه شمایم ونه طالب دنیا، بلکه همواره حق گفته وبحق اشاره می کنم. در تمام طول عمرم نسبت به صالحین ظن داشته ام، و آنان را خدمتگذار بوده ام، والبتہ که این کار برابرمی همان عمل به گفتا می باشد، که موجب اخلاص در ظاهر وباطن است. و آنگاه خواهید دید که ایمان وایقان به جهت هوی و هوس نیست، و صرفا در مومن وجود دارد نه در منافق.

(یاقوم) هوسهای باطل را از خود دور کنید، وبخدای عزوجل بگروید. به آنچه برایتان سودمند است تکلم کنید، واز گفتار درباره آنچه که بحالتان زیانبخش است، خودداری نمائید، بگاہ سخن گفتن، ابتدار در خصوص آن فکر کنید، بانیت درست آنرا بزبان بیاورید. گفته اند مکان زبان جاهل پیش از قلب است، وزبان عاقل وعالم در پس قلب جای دارد.

گنگ شوو تازمانیکه خدابخواهد، آنگاه لب به سخن بگشای، زیرا اگر خداکاری را اراده نماید وسایل آنرا فراهم می کند. باید خاموش بود، وهر گلاہ به اذن خدای زمان سخن رسید، ناطق شود، و اگر این اجازه داده نشد، تاقیامت خاموشی باشد.

واین معنی گفتار رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) است که فرموده: «مَنْ عَرَفَ اللَّهَ كُلَّ لِسَانُهُ»- (هرکس خدای را شناخت زبانش کند).

بظاهر وباطن زبانش از اعتراض وایراد بخداکندمی شود، موافقت ورضایتش به کمال می رسد، دیده را اغیر اومی بندد. پرده اسرارش پاره میشود، امورش پراکنده می گردد، مال وثروتش متفرق خواهد شد، دنیا و آخرتش رافراموش می کند، واسم و رسم خود را از دست می دهد، تا اینکه قول حق که فرموده است: «ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ»- (سپس

هرگاه خداخواست اورا زنده می کند). وی راپس از فقدان می یابد، خلقت دوباره اش می بخشد، بادست فنایش نابود می کند، وبادست بقا بجهت لقا باردیگر اورازنده می گرداند، آنگاه به دعوت خلقتش مأمور می کند، تامردم را از فقر معنوی

به توانگری رساند. توانگری واقعی قرب خدای عزوجل است، وفقر حقیقی دوری از خدا وتوسل بغیر. این توانگری خاص کسانی است که برقلب خود پیروز گشته و آنرا به قرب حق رسانیده اند، وفقیر کسی است که ازین نعمت بی بهره

است. هرکس این توانگری را می خواهد باید دنیا را ترک نماید، و آنچه در اوست در نظرش بی مقدار باشد، باید علاقه به مظاهر دنیوی رایکی یکی از دل براند، ومال که دنیا رافقط در راه تأمین توشه آخرت بکاربرد، تادر روز بپاسین بکارش

برد. باید علم آموزد، تاهادی وراهنمایش گردد، وبنور آن از تاریکیها بگذرد.

بارخدایا، دلہای مارابه نور هدایت خود روشن گردان.

«وَأَتَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». آمین.